

چکیده

نسخه‌شناسی و تصحیح متن از علوم مطرح ادبی هستند که از گذشته تا حال محققان و پژوهشگران زیادی به آن‌ها پرداخته‌اند.

وجود نسخ خطی (قلمی) و ارزش بالای علمی، تاریخی و ایدئولوژیک آن‌ها موجب شده تا علوم نسخه‌شناسی و تصحیح متن روزبه‌روز پیشرفت گسترده‌ای داشته باشد.

با وجود قدامت این علم و توجه پژوهشگران و ادیبان جهان به آن، متأسفانه در افغانستان غریب مانده و نیازمند توجه بیشتر است.

در این نوشتار ضمن معرفی مختصر علوم نسخه‌شناسی و تصحیح متن، به پاره‌ای از مشکلات آن در افغانستان اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: افغانستان، تصحیح متن، نسخه‌شناسی.

مقدمه

یکی از برجسته‌ترین علوم ادبی که نقش ویژه‌ای در مطالعات تاریخی و ایدئولوژیک دارد، نسخه‌شناسی و تصحیح متن است. متأسفانه این علم در افغانستان کمتر شناخته شده است و مطالعات ادبی درباره آن به ندرت دیده می‌شود.

شاید این سؤال مطرح شود که؛ مطالعات نسخه‌شناسی و تصحیح متن چیست؟ از کدام دوره تاریخی آغاز شده است و پیشینه آن چیست؟ نسخه‌شناسی علم شناخت نسخ خطی است. در این علم پژوهشگران با توجه به ساختار ظاهری و محتوایی یک نوشته قدامت آن را تعیین می‌کنند. در شناخت ظاهری نسخ خطی مواردی مانند: نوع کاغذ، خط، آرایه‌هایی نظیر تذهیب، تکحیل، رسامی، طلاکوبی، جدول، کمندها، افشان‌ها، سرلوچه‌ها، انجامه‌ها، ظهریه‌ها، جلد و نقوش آن‌ها نقش به‌سزایی دارند. تمام مواردی که ذکر شد، در دوران مختلف تغییر کرده و شاخصه‌های هر دوره با دوران بعدی متفاوت است.

در مورد خط افراد، علاوه بر سبک هر نویسنده یا کاتب، انواع خط در دوره‌های زمانی، متغیر بوده است. به عنوان مثال در قرن پنج و شش قمری خط نستعلیق هنوز ابداع نشده بود، پس نسخی که با این خط دیده می‌شوند، اغلب به قرن نه به بعد تعلق دارند.

علاوه بر ساختار ظاهری نسخ، از لحاظ محتوا مواردی مانند: نحوه کاربرد حروف، ساختار جمله‌ها، اصطلاحات هر دوره و هر مکان، ویژگی‌های ایدئولوژیک و سبک خاص هر نویسنده و ده‌ها مورد دیگر راه شناخت نسخ خطی و تعیین دوران آن را معین می‌کنند. به عنوان مثال بعد از فردوسی به سبک و سیاق او ده‌ها بیت سروده شده‌اند، گاهی این ابیات را به فردوسی نسبت داده‌اند؛ اما امروزه مصححان زبده مانند خالقی مطلق، رواقی، خطیبی و امثال آن‌ها با سند علمی نسبت این ابیات به فردوسی را رد کرده و با دلیل موجه آن را از شهنامه حذف کرده‌اند.

برای پیدایش نسخه‌شناسی زمان معینی را نمی‌توان مشخص کرد زیرا بشر همواره به دنبال یافتن موارد مکتوب و تشخیص زمان و دوران آن بوده است. در واقع تغییر در ساختار ظاهری و محتوایی نسخ، راه را

برای شناخت بهتر نسخ خطی فراهم کرده است.

در مورد پیدایش تصحیح متن و چگونگی آن نیز باید توجه داشت که در قرون گذشته تهیه کتاب و سایر نوشته‌ها به علت نبودن کاغذ وافر و صنعت چاپ با مشکلات خاصی همراه بوده است. نویسندگان علوم مختلف برای درج و پخش آثار خود نیازمند تهیه کاغذ، مرکب، قلم و امثال آن بوده‌اند. هر کتاب یا ورق برای تجدید نوشتار به کاتبان سپرده می‌شده است. کاتبان ضمن رونویسی از متن کتاب، عقاید، نظریات و اصطلاحات محلی خود را وارد متن کرده و زمانی به علت سهو کاتب، قسمتی از متن فراموش و یا دوباره نوشته می‌شده است. در پاره‌ای از اوقات نیز کاتب، کلماتی از خط مؤلف را نمی‌توانسته بخواند جای آن را سفید گذاشته یا با کلمات دلخواه خود پر می‌کرده است.

نیاز به تصحیح متن برای برطرف کردن نقایص و مشکلات موجود در نسخ خطی و تنظیم آن‌ها براساس نوشته اصلی مؤلف با در نظر داشت سبک و سیاق مؤلف و زمان تألیف کتاب پدید آمده است. بنابراین، تصحیح متن، عبارت است از روش‌هایی که برای بازسازی متون کهن و دست‌نوشته‌ها به کار می‌رود.

اولین کتابی که در دوران اسلامی تصحیح متن روی آن صورت گرفت قرآن کریم بود. در زمان پیامبر گرامی اسلام متن کاملی از قرآن کریم در دسترس عموم نبود و تعداد افراد باسواد اندک بودند. بنابراین، مسلمان‌ها قرآن را حفظ کرده و با گویش و لهجه‌های خود قرائت می‌کردند، پیامبر (ص) در مواردی که لهجه در معنای قرآن تغییر نمی‌آورد، آن را می‌پذیرفت و اختلاف قرائت را بیان می‌کرد. با گسترش اسلام خلفای اول و سوم قرآن را جمع‌آوری و آن را مکتوب کردند به منظور جلوگیری از مشکلات اختلاف قرائت، برای تازه‌مسلمان‌های غیر عرب، مصحف عثمانی به سرپرستی زید بن ثابت در زمان خلیفه سوم تنظیم شد. بعدها مصححان برای نشان دادن و ثبت اختلاف قرائت‌ها آن‌ها را مکتوب کردند. در واقع تصحیح در دوران اسلامی از این‌جا شروع شد و قرائت‌های معتبر سبعة و عشره و برخی قرائت‌های نامعتبر ثبت و اختلاف آن‌ها با مصحف عثمانی مشخص شد.

نحوه گسترش نسخ خطی

همان‌طوری که امروزه کتاب‌هایی در علوم مختلف نوشته می‌شوند، در گذشته نیز اهل علم، مطالب و تجربیات علمی و ادبی خود را مکتوب می‌کردند. قبل از ساخت کاغذ، افراد بر روی پوست حیوانات، چوب، سنگ و غیره می‌نوشتند. از آن‌جایی که دباغی پوست، تنظیم آن برای نوشتن و یا حک کردن متون بر روی سنگ و چوب و دیگر اشیاء سخت و مشکل بود، تهیه کتاب کار هر فرد باسوادی نبود و تنظیم یک کتاب، مدت مدیدی به طول می‌انجامید. از دوران اولیه اسلامی و قبل از آن، به علت کمبود نوشت‌افزار، آثار کمتری به صورت مکتوب به ما رسیده‌اند. با ورود کاغذ و تهیه آن در منطقه آسیای میانه و غربی، کار نوشتن نیز آسان شد.

در اوایل قرن چهارم قمری در یکی از جنگ‌ها، چینیان از مسلمانان

بیاض کاغذ نهایت استفاده شود.

اوراق کتاب دسته‌بندی شده و هر چند صفحه در کنار هم دوخته می‌شدند که به آن کراسه می‌گفتند. هر کتاب از دوختن چند کراسه در کنار هم تهیه می‌گردید به تازی که کراسه‌ها را در کنار هم وصل می‌کرد پیرازه کتاب می‌گفتند. پیرازه‌ها در دو قسمت بالا و پایین با تار رنگین، محکم بافته می‌شدند که به آن شیرازه کتاب گفته می‌شد. امروزه نیز برخی از کتاب‌های حجیم کراسه‌سازی شده و دارای پیرازه و شیرازه هستند. شیرازه‌ها نسبت به نوع بافت آن‌ها نام‌های مختلفی دارند.

کتاب آماده‌شده را در قالبی به نام شکنج قرار می‌دادند و بخش‌های اضافی آن را برش می‌زدند. مراحل تجلید کتاب نیز بعد از شکنج انجام می‌شد.

تجلید کتاب، انواع نقش‌های روی و داخل جلد، نوع کاغذ و پوست استفاده شده برای جلد در قرون مختلف، یکسان نبوده و نام‌های متفاوت دارند.

علاوه بر مواردی که ذکر شد، شیوه صفحه‌گذاری نسخ خطی با شمارگان امروزی تفاوت اساسی دارد. نسخ خطی اغلب شماره صفحه ندارند. بیشتر شماره‌گذاری‌های آن‌ها مربوط به قرون جدید می‌شود. در نسخ خطی به جای شماره صفحه، در پایین ورق سمت راست کتاب، اولین واژه صفحه بعد را می‌نوشتند که به این واژه‌ها رکابه گفته می‌شود. رکابه‌ها در واقع همان عملکرد شماره صفحه را دارند با نگاه به رکابه هر صفحه می‌توان کلمه بعدی را در ابتدای ورق بعدی جستجو کرد.

سرنوشت نسخ خطی

دنیای نسخ خطی گسترده است. هر نسخه خطی شاخصه‌های ویژه‌ای دارد. امروزه نسخ خطی زیادی به چاپ رسیده‌اند و ما از علوم و اطلاعات آن‌ها بهره می‌بریم. تعدادی از کتاب‌ها بارها تصحیح مجدد شده‌اند. با پیدا شدن نسخه خطی معتبر از هر کتاب مشهور، مصححان در چاپ و تصحیح دوباره آن کوشش کرده‌اند؛ اما با وجود تمام این مباحث، در آرشیف‌ها و کتابخانه‌های معتبر دنیا و در منازل افراد، هنوز نسخه‌های خطی وجود دارند که متأسفانه به چاپ نرسیده‌اند. از علت‌های آن می‌توان به چند مورد زیر اشاره کرد:

۱. دور ماندن نسخ از دسترس محققان و مصححان؛

شکست خوردند. صالح بن زیاد فرمانده سمرقندی، آزادی آن‌ها را منوط به آموزش تهیه کاغذ به مسلمان‌ها دانست. چینیان برای آزادی خود شیوه تهیه کاغذ را به سمرقندی‌ها تعلیم دادند، از این جا تهیه کاغذ در بین مسلمان‌ها رواج بیشتر یافت و مردم هر منطقه با مواد مختلف و به شیوه‌های متفاوت کاغذ و مرکب تهیه کردند. بنابراین، امکان نشر علم و افکار افراد به صورت نوشتار فراهم شد و کتاب‌های بیشتری به صورت مکتوب درآمدند. در اصل، نسخ خطی کاغذی، از این دوران به طور گسترده پدید آمد و علوم مختلف نسل به نسل به صورت مکتوب حفظ شد.

با وجود ساخت و گسترش کاغذ در قدیم، تهیه آن به آسانی امروز نبود. مردم هر منطقه به شیوه خاصی کاغذ تهیه می‌کردند، مراحل تهیه کاغذ مشکل بوده و روزها به طول می‌انجامید. هر کاغذ نشانه و ساختار فیزیکی خاص خود را داشت. انواع کاغذ با توجه به ضخامت، رنگ و موادی که از آن تهیه می‌شد، قابل شناخت بود. با پیشرفت علم، کاغذها آب‌نشان شده براساس نقشی که به صورت محو در کاغذ وجود داشت، قابل تشخیص بودند. بنابراین، یکی از راه‌های شناخت نسخ خطی طوری که قبلاً نیز ذکر کردیم، کاغذ آن است از انواع کاغذها می‌توان به کاغذ خانبالغ، سمرقندی، شامی، نوحی، فرعونی و سلیمانی اشاره کرد.

ساختار فیزیکی نسخ خطی

حال این سؤال مطرح می‌شود که بعد از تهیه کاغذ، نسخ خطی از لحاظ ظاهری چه ساختاری داشتند و چگونه ترتیب می‌شدند؟

بعد از تهیه کاغذ که معمولاً دارای قطعات بزرگ بود، آن را مهره زده صاف، نازک و براق می‌کردند، سپس به قطعات کوچک‌تر برش زده و کراسه‌سازی می‌کردند. هر کراسه از چند ورق به هم دوخته شده تشکیل می‌شد. آنگاه به منظور خط‌کشی کتاب، آن را مسطرنده می‌کردند در این روش روی تخته یا مقوایی به وسیله تار یا سیم، چندین خط ترسیم کرده و کاغذ را روی آن فشار می‌دادند تا نقش تارها روی کاغذ افتاده و خط‌کشی شود. مسطرنده‌ای نیز روش‌ها و انواع مختلف دارد که در این مقاله مجال پرداختن به تمام زوایای آن نیست.

بعد از خط‌کشی کتاب آماده نوشتن بود نویسندگان به خاطر ارزش بالای کاغذ نهایت استفاده را از آن می‌کردند. گاهی در حاشیه یک کتاب یک یا دو کتاب دیگر نیز نگارش می‌یافت تا از فضای سفید یا

نسخ خطی از لحاظ مندرجات نیز به دو صورت تک‌متنی و مجموعه دیده می‌شوند. متون تک‌متنی چنانچه از نامش پیدا است، شامل یک کتاب یا نوشته می‌شود. مجموعه، نسخی هستند که در یک کتاب، چندین نسخه مجزا نوشته شده‌اند. در مجموعه، یک کتاب در وسط و کتاب‌ها و نسخه‌های دیگر در حواشی کتاب اصلی نوشته شده‌اند.



دیگر در حواشی کتاب اصلی نوشته شده‌اند. گاهی موضوع کتاب‌های یک مجموعه، یکسان و درباره یک علم خاص نیست و مصحح را به مشکل دچار می‌کند. یکی از علت‌های اصلی پیدایش مجموعه‌ها، کمبود کاغذ و صرفه‌جویی در آن گفته شده است. در مجموعه‌ها، کاغذ چند نوع مسطراندازی می‌شده است. به عنوان مثال در یک مجموعه که دو کتاب در آن نوشته شده است، خط‌کشی یا مسطراندازی متن اصلی کتاب به صورت افقی و در حاشیه همین کتاب نسخه بعدی به صورت مورب مسطراندازی شده است. در ضمن گاهی خط متن نسخه اصلی با نسخه یا نسخ حواشی متفاوت و مجزا بوده است.

شیوه‌های تصحیح متن

برای تصحیح متن شیوه‌های گوناگون نام برده‌اند. معروفترین شیوه‌ها شامل عبارتند از:

۱. تصحیح سنتی یا ذوقی؛
 ۲. تصحیح بر پایه انتخاب نسخه اساس؛
 ۳. تصحیح انتقادی است.
- در تصحیح سنتی مصحح بر اساس علم و دانش خود، متن درست یا نادرست را برمی‌گزیند. این شیوه در تصحیح متن‌های قدیمی دیده می‌شود. در سده‌های اخیر روش‌های بهتری برای تصحیح متن در نظر گرفته شده‌اند. یکی از این روش‌ها انتخاب نسخه‌ای قدیمی و از لحاظ ساختار نزدیک به متن، به عنوان نسخه اساس و سنجش سایر نسخ با این نسخه است. روش دیگر انتخاب نسخ متفاوت از یک متن و انتخاب چند نسخه به عنوان نسخ اساس و اصلی و تعیین متن نزدیک به نوشته مؤلف، بر طبق سنجش نسخ با در نظر گرفتن ساختار و سبک و سیاق نویسنده و سبک نوشتاری دورانی که متن نوشته شده است، در نتیجه تنظیم متنی منقح و انتقادی با در نظر داشت نسخه‌بدل‌ها و ثبت آن‌ها در پاورقی یا پانویس کتاب، این شیوه را تکمیل می‌کند.
- آقای نجیب مایل هروی نویسنده معاصر افغانستان نیز شیوه‌های تصحیح متن را به موارد زیر تقسیم کرده است:

۱. تصحیح متن بر طبق نسخه اساس؛
 ۲. تصحیح التقاطی؛
 ۳. شیوه بینابین؛
- ### تصحیح قیاسی^۱
- علاوه بر موارد بالا شیوه جدیدی با استفاده از تکنولوژی مرسوم شده است. در این شیوه به وسیله نرم‌افزارهای کامپیوتری، بر اساس داده‌ها و آمار کمی از دست‌نویس‌ها و نسخ موجود، متن کتاب تصحیح می‌شود. این شیوه اولین بار در دانشگاه ونیز ایتالیا درباره غزلیات سنایی مورد بررسی قرار گرفته است.^۲
- کتاب‌های چاپی که قبل از صنعت چاپ، تألیف شده‌اند وابسته به

۲. ناشناخته ماندن تعدادی از نسخ؛

۳. نیاز به زمان بیشتر برای تصحیح هر کتاب (گاهی چندین سال برای تصحیح یک کتاب وقت نیاز است)؛

۴. تخصصی بودن برخی از کتاب‌ها؛

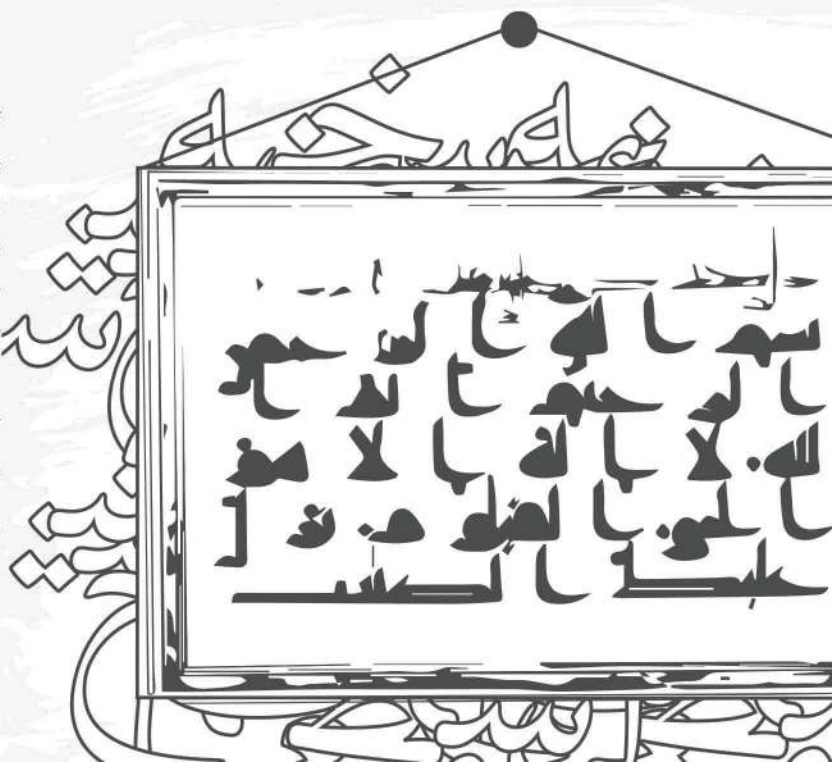
۵. شرایط دشوار اجتماعی؛ مانند مناطق جنگی و نظامی که بعضی از نسخ در آن‌ها قرار گرفته‌اند.

با وجود تمام مشکلاتی که ذکر شد تعداد زیادی نسخ خطی در جهان وجود دارند که در دسترس مصححان قرار دارند و نیازمند تصحیح متن با توجه به محتوا و مندرجات آن‌ها است. در این جا ابتدا متون را از لحاظ محتوا و مندرجات آن معرفی کرده، سپس شیوه‌های تصحیح متن را ذکر می‌کنیم.

انواع نسخه‌ها از لحاظ محتوا و مندرجات

نسخه‌ها از لحاظ محتوا به دسته‌های مختلف تقسیم می‌شوند:

۱. جنگ‌ها و سفینه‌ها؛ که مجموعه شعری از چند شاعر هستند؛
 ۲. رساله‌ها؛ نوشته‌های علمی، هنری، ادبی و... که از لحاظ حجم کمتر از یک کتاب هستند. (در قرون اولیه اسلامی به مکاتیب یا نامه‌ها نیز رساله اطلاق می‌شد)؛
 ۳. مقالات؛
 ۴. کتاب‌ها؛
 ۵. مرقعات؛ شامل قطعه‌هایی از خوشنویسی و رسامی؛
 ۶. بیاض؛ که دربرگیرنده نوشته‌های کوتاه افراد به نزدیکان خویش بود، هم‌چنین به پاک‌نویس نسخه‌ها و نوشته‌ها بیاض گفته می‌شود؛
 ۷. منشآت و رسائل.
- نسخ خطی از لحاظ مندرجات نیز به دو صورت تک‌متنی و مجموعه دیده می‌شوند. متون تک‌متنی چنانچه از نامش پیدا است، شامل یک کتاب یا نوشته می‌شود.
- مجموعه، نسخی هستند که در یک کتاب، چندین نسخه مجزا نوشته شده‌اند. در مجموعه، یک کتاب در وسط و کتاب‌ها و نسخه‌های



۱. مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

۲. زاتولا، والنینا؛ مهدوی، محمدجواد؛ مجرد، مجتبی، «طرح متن جامع غزلیات سنایی»، جستارهای ادبی، سال ۴۵، شماره ۴، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۰.



قدا^مت علمی و فرهنگی افغانستان
باعث شده تا یکی از مراکز مهم
نسخ خطی جهان باشد. به جز
نسخ خطی موجود در آرشیف ملی
کابل و نسخ موجود در مراکز و
کتابخانه‌های دولتی کابل، هرات،
مزارشریف و شهرهای دیگر،
بسیاری از نسخ خطی در اثر عوامل
جنگ و نابه‌سامانی کشور از بین
رفته و یا تاراج شده‌اند.



نسخ خطی هستند. بسیاری از کتاب‌های مهم و مشهور ادبی چون
شهنامه فردوسی، مثنوی معنوی مولوی، دیوان سنایی و ده‌ها کتاب دیگر
بعد از اولین چاپ، بارها تصحیح شده‌اند و باز هم با پیشرفت علم
تصحیح و پیدایش نسخه جدید و با ارزش، مجدد تصحیح می‌شوند.
ضمن آن‌که صدها و هزاران نسخه خطی تصحیح و چاپ نشده وجود
دارد و زمینه کار فراوان برای مصححان موجود است. هم‌چنین بسیاری
از دست‌نوشته‌های مهم تاریخی، مکاتیب سلاطین و مراسلات بزرگان
هنوز تصحیح نشده است که با تصحیح آن‌ها نکات و ظرایف تاریخ
مشخص می‌شود. از لحاظ مطالعات بین‌رشته‌ای، علم تصحیح متن
با علوم مختلف قرابت و نزدیکی دارد.

وضعیت نسخ خطی در افغانستان

قدا^مت علمی و فرهنگی افغانستان باعث شده تا یکی از مراکز مهم
نسخ خطی جهان باشد. به جز نسخ خطی موجود در آرشیف ملی
کابل و نسخ موجود در مراکز و کتابخانه‌های دولتی کابل، هرات،
مزارشریف و شهرهای دیگر، بسیاری از نسخ خطی در اثر عوامل
جنگ و نابه‌سامانی کشور از بین رفته و یا تاراج شده‌اند. تعداد زیادی
از نسخ خطی کشور، در کتابخانه‌ها و آرشیف‌های دنیا نگهداری
می‌شوند و تعدادی نیز در بازارها، خانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های افغانستان
و همسایه‌ها سرگردان هستند.

علم تصحیح متن با وجود اهمیتی که از گذشته تا حال دارد، چند
دهه است که در کشور ما غریب مانده است به جز آقای مایل هروی که
استاد مطرح و مشهور این فن بوده و خارج از افغانستان زندگی می‌کند،
تعداد انگشت‌شماری از پژوهشگران و ادیبان افغانستان به کار تصحیح
متن پرداخته‌اند. تعدادی از ادب‌دوستان نیز براساس ذوق شخصی به
شیوه سنتی متونی را تصحیح کرده‌اند که با معیارهای امروزه این علم
همخوانی ندارد و ارزش ادبی آن‌ها اندک است. با تأسف این علم
در مجامع علمی و ادبی افغانستان به خصوص دانشگاه‌ها تدریس
نمی‌شود و زمینه تدریس و تعلیم برای مصححان جوان نیز مهیا
نمی‌گردد. بنابراین، علم تصحیح متن نه تنها در افغانستان پیشرفتی
نداشته، بلکه باوجود فراوانی نسخ خطی، برای اغلب مردم ما ناشناخته
مانده است.

متأسفانه عدم توجه به تصحیح متن و نسخه‌شناسی و کم‌لطفی به
این علم در مجامع علمی، آکادمیک و وزارت‌هایی که به نوعی با
نسخ خطی مرتبط هستند، باعث شده با وجود نسخ برجسته و قدیمی
برخی از کتاب‌ها در افغانستان، نسخه‌های دیگر کشورها در یونسکو و
مجامع بین‌المللی به عنوان نسخ برتر معرفی و ثبت شوند.

هم‌چنین عدم آگاهی از نسخ خطی و شرایط نگهداری و حفظ
آن‌ها، موجب شده که فضای مناسبی چه در کتابخانه‌ها و چه در منازل
شخصی برای نگهداری این سرمایه‌های کشور در نظر گرفته نشود که
با این روند، زمینه نابودی این نسخ به مرور زمان فراهم می‌شود.